

زیر ذره بین

تفاوت روایت رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی از عملکرد پلیس ایران و آمریکا
یک رسانه و ۲ روایت!

چند روزی است که از اعتراضات دانشجویان حامی فلسطین و برخورد خشن پلیس‌های امنیتی اروپا و آمریکا به منظور سرکوب این دانشجویان آزادی‌خواه می‌گذرد. نکته قابل تأمل در انتشار و پوشش این اخبار توسط رسانه‌های معاند این است که چرا در زمان اغتشاشات ایران عملکرد پلیس ایران وحشیانه محسوب می‌شد و اکنون سرکوب خشن پلیس‌های امنیتی آمریکا در برخورد با معترضان، قانونی تلقی می‌شود؟ ایران اینترنشنال: «مرگ خوبه اما برای همسایه!» اعتراضات گسترده دانشجویان آمریکایی و اروپایی علیه رژیم اسرائیل، چند روزی است که آغاز شده و اما در مقابل مسالمت‌آمیزترین نوع اعتراض با شدیدترین نوع برخورد از سوی پلیس و نیروهای امنیتی غرب سرکوب می‌شود. این درحالی است که همواره غرب در زمان اغتشاشات ایران با پرچم آزادی بیان به میدان می‌آمد و از سوی دیگر رسانه‌های حامی آنها برخورد پلیس ایران با اغتشاشات مسلحانه آشوبگران را زیر سوال می‌بردند. اما در حال حاضر نکته قابل تأمل، واکنش شبکه‌های فارسی‌زبان ضدایرانی از جمله BBC فارسی و ایران اینترنشنال است.

این رسانه‌ها که در زمان اغتشاشات ایران کوچک‌ترین اتفاق ایران را به صورت گسترده و متوالی منتشر می‌کردند و بارها و بارها بازنشر می‌دادند، حالا در قبال اتفاقاتی که در چندکیلومتری شان رخ می‌دهد عمدتاً سکوت کرده یا صرفاً به بازنشر محدود و سانسور شده‌ای از اعتراضات دانشجویان حامی فلسطین «به نفع مأموران امنیتی» بسنده می‌کنند. به عنوان مثال، ایران اینترنشنال در زمان اغتشاشات ایران «پس از فوت مهسا امینی» با پوشش اظهارات مقامات غربی درباره ایران، استفاده از اصطلاحاتی مانند «خیزش سراسری در ایران»، «دانشگاه پادگان نیست»، «افزایش خشونت پلیس جمهوری اسلامی علیه دانشجویان ایرانی» به همراه نشان دادن تصاویری از اغتشاشگران و... سعی در بازتاب دادن اتفاقات ایران داشتند، اما اکنون از تیتراهایی مانند «معترضان طرفدار فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا به دنبال چه هستند؟» و خبرهایی مانند «پلیس نیویورک برای متفرق کردن دانشجویان حامی فلسطین وارد دانشگاه کلمبیا شد» و... استفاده می‌کنند. علت سکوت رسانه‌های معاند در برابر دستگیری‌ها و سرکوب‌های گسترده دانشجویان خواستار آزادی برای فلسطین چیست؟ چرا از نظر شبکه‌های معاند، اقدامات پلیس ایران برای مقابله با اغتشاشگران مسلح که با همکاری سرویس‌های امنیتی غرب، امنیت و جمهوریت نظام را نشانه گرفته بودند، سرکوب و وحشیانه تلقی می‌شد، اما سرکوب‌های خشن مأموران آمریکایی در برابر اعتراضات آرام دانشجویان حامی فلسطین، متفرق کردن و جلوگیری از بی‌نظمی شهر تلقی می‌شود؟

از شایعه تا واقعیت عضویت پدر مهران غفوریان در ساواک

شبهه و شایعه: طی روزهای گذشته، برخی کاربران فضای مجازی با انتشار بخشی از صحبت‌های فردی به نام خسرو غفوریان، مدیر پشتیبانی بخش آموزش ساواک، مدعی شدند که وی پدر مهدی و مهران غفوریان، از هنرمندان کشورمان، است. در این خصوص، ادعا شده فرد مذکور ۲۰ سال در ساواک مشغول به فعالیت بوده و پست مدیریتی داشته است.

هرچند که شباهت نام و چهره پدر مهران و مهدی غفوریان این شایعه را تقویت می‌کند، اما مراجعه به تصویری که پیش‌تر مهران غفوریان از سنگ مزار پدرش منتشر کرده بود، تاریخ تولد وی ۱۳۲۴ نوشته شده است، یعنی در سال ۱۳۵۷ (سال پیروزی انقلاب اسلامی) وی تنها ۳۴ سال داشته و احتمال زیاد نمی‌توانسته ۲۰ سال سابقه مدیریت داشته باشد. این شایعات ادامه داشت تا اینکه مهدی غفوریان با انتشار تصویری دیگری از پدرش نوشت که وی ناخدا یکم کمیسر دریایی است و فرد ساواکی که گفته می‌شد پدرش هست راحتی نمی‌شناسد.

خبرسازی جدید؛ این قسمت: پارک لاله



در روزهای گذشته شایعه‌ای در مورد قطع درختان برای ساخت فرهنگسرا در بوستان لاله تهران توسط برخی افراد و رسانه‌ها منتشر شد. شبهه شایعه: پس از شایعات درباره قطع درختان برای ساخت فرهنگسرا در بوستان لاله تهران، بلافاصله ویدئوهایی در محل پارک لاله منتشر شد که سه خانم و یک فعال محیط زیست از شهردار تهران درخواست می‌کنند درختان را قطع نکنند. مسئولین شهرداری در مورد علت فنس کشی می‌گویند: این حریم‌سازی براساس نیاز پارک و بنا به درخواست مردم بعد از برگزاری جشن‌ها و مراسم متنوع ماه‌های قبل صورت گرفته و برای پروژه ایجاد فضای عمومی و آبنما با هدف زیباسازی بوستان لاله است و قرار نیست حتی یک درخت هم در آنجا قطع شود؛ همچنان که برای کل پارک لاله پروژه بزرگ روشنایی به‌منظور بهره‌برداری بیشتر مردم در نظر گرفته شده است تا این پارک با ظرفیت بالاتری در خدمت مردم باشد. چندی قبل نیز عده‌ای با شایعه‌سازی در مورد قطع درختان در بوستان قیصریه سعی کردند با اخبار غیرواقع مانع ساخت مسجد شوند که شهرداری اعلام کرد هیچ درختی قرار نیست قطع شود و تنها حدود ۱۰ درخت یکساله جابه‌جا می‌شود. شهرداری تهران به دلیل تنوع فعالیتش و ظرفیت‌ها و منابع مختلفی که دارد همواره مورد توجه جریان‌ها، افراد و شرکت‌های مختلف قرار دارد و ضابطه‌مند شدن تعاملات و قطع همکاری با برخی جریان‌ها با پوشش پیمانکاری، باعث خبرسازی‌ها علیه شهرداری شده است.

عوامل محوری پشتیبانی گروهک تروریستی
جیش‌الظلم در راسک بازداشت شدند

طی یک اقدام اطلاعاتی-عملیاتی، چند تن از عوامل تأمین و پشتیبانی‌کننده عملیات‌های تروریستی اخیر استان در مدرسه دینی پشامک راسک بازداشت شدند. روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه اعلام کرد: به اطلاع امت شهیدپرور ایران اسلامی می‌رساند، رزمندگان قرارگاه قدس طی یک عملیات مشترک اطلاعاتی و عملیاتی با اداره کل اطلاعات استان سیستان و بلوچستان، چند تن از عوامل تأمین و پشتیبانی‌کننده که نقش محوری در دو عملیات گروهک تروریستی جیش‌الظلم در تاریخ‌های ۲۴ آذر ۱۴۰۲ در ستاد انتظامی و ۱۶ فروردین سال جاری در سپاه شهرستان راسک داشتند در مدرسه دینی انوارالحرمین روستای پشامک از توابع این شهرستان مخفی شده بودند را با همکاری مردم شریف منطقه شناسایی و دستگیر کردند.



روایتی از تلاش دولت روحانی برای ترجیح ۲۰۳۰ بر سند تحول؛

چه کسانی با گذاشتن سند تحول آموزش و پرورش در کشور، مورد عتاب رهبری قرار گرفتند؟

سوم هم این بود که این نقشه راه هم مانند قبلی، شاخص‌ها و سازوکار نظارتی را تعیین نکرده بود.

سال ۱۳۹۸ که محسن حاجی‌میرزایی سکندار وزارت آموزش و پرورش شد، یک رقیب برای نقشه راه نوشته‌شده توسط وزیر قبلی آموزش و پرورش تراشید که همان بسته‌های به‌اصطلاح تحولی ۲۵گانه بود و عملاً زمینه‌ای را به‌وجود آورد که تمرکز به سمت اجرای این بسته‌ها به جای اجرای نقشه راه رفت.

این اقدام صوری که حتی اثربخشی آن مورد تردید بود، در نگاهی کلان‌تر موجب فروکاهش جایگاه سند تحول بنیادین و نگاه بخشی به این سند شد که بخشی از آن مورد توجه قرار گرفت و بخش‌های دیگر مغفول ماندند.

انفعال و عدم اراده دولت قبل در اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حالی بود که با وجود برخورداری نظام تعلیم و تربیت از یک سند بنیادی تحولی، دولت روحانی سند ۲۰۳۰ را در هیأت وزیران تصویب و با امضای معاون اول رئیس‌جمهور به آموزش و پرورش و ۱۷ دستگاه دیگر ابلاغ کرد.

سند ۲۰۳۰ در سال ۱۳۹۵ توسط مسئولان وقت دولت امضا شد و بلافاصله در هیأت دولت تصویب شد که کارگروهی در آموزش و پرورش و چند وزارتخانه و دستگاه ملی دیگر برنامه اجرایی خود را در این زمینه بنویسند؛ در صورتی که در تمام این سال‌ها حتی یک بار هم بحث اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در دولت مطرح نشد یا اگر هم بحثی بود، هیچ‌گاه رسانه‌ای نشد؛ جالب آنکه ظرف ۲ تا ۳ ماه از برنامه ملی اجرای سند ۲۰۳۰ هم رونمایی شد که در واقع به معنای پذیرش حکمرانی تربیتی غرب برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بود که تذکر جدی مقام معظم رهبری را در پی داشت.

بر خلاف دولت گذشته، در دولت سیزدهم یک کارگروه برنامه‌ریزی در معاونت برنامه‌ریزی توسعه وزارت آموزش و پرورش شکل گرفته که معاونت‌ها، ادارات کل و واحدهای مختلف وزارتخانه برنامه‌های سالانه خود را برای بررسی و تأیید به این کارگروه می‌دهند تا از انطباق برنامه‌هایشان با سند تحول آموزش و پرورش دفاع کنند و این سازوکار مانع از اجرای بخشی و سلیقه‌ای سند می‌شود.

رهبر معظم انقلاب در دیدار روز معلمان و فرهنگیان با تأکید بر اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از کسانی گلایه کردند که در سال‌های گذشته این سند را در کشور گذاشته و مانع اجرای آن شدند. برای بسیاری اکنون این سؤال به‌وجود آمده که چه کسانی سند تحول راد رکشوی میز خود قرار داده و مانع اجرای آن شده‌اند؟ یکی از کارشناسان وزارت آموزش و پرورش درباره موانع اجرای سند تحول بنیادین در سال‌های اخیر توضیح داد: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ تصویب شد و یکی از کارهایی که باید طرف یک سال پس از تصویب آن انجام می‌شد، تدوین ۶ زیرنظام بود.

بر اساس فصل ۸ سند تحول، این زیرنظام‌ها باید تا آذر سال ۱۳۹۱ یا نهایتاً تا پایان همان سال تهیه و تصویب می‌شد، اما نخستین زیرنظام در سال ۱۳۹۳ تصویب و ششمین آنها سال ۱۴۰۰ تهیه شده که عملاً ۱۰ سال زمان برد و تعلل زیادی در این زمینه صورت گرفت.

نکته دیگر آنکه برای اجرای سند باید نقشه راهی دقیق شامل شاخص‌ها، پروژه‌ها و راهکارها، زمان اجرای هر طرح و سازوکار پایش و نظارت اجرای سند طراحی می‌شد تا مانع اجرای نامنظم و سلیقه‌ای سند شود. مقام معظم رهبری در چند نوبت از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ بر تهیه این نقشه راه تأکید کردند.

در سال ۱۳۹۳ در زمان وزارت علی‌اصغر فانی در آموزش و پرورش، یک نقشه راه نوشته شد که نقشه راه واقعی نبود و در واقع برنامه ابداعی بود، چراکه نه شاخص‌ها را تعیین کرده بود و نه سازوکاری برای نظارت بر اجرا داشت؛ اساساً همان متن ابداعی هم که باید تا سال ۱۳۹۹ عملیاتی می‌شد، هیچ‌گاه اجرا نشد.

سال ۱۳۹۷ در زمان وزارت سید محمد بطحایی در آموزش و پرورش نقشه راه دیگری برای اجرای سند تحول نوشته شد که این متن نیز ۳ ایراد اساسی داشت؛ اول آنکه پیرو تعلل در تدوین و تصویب زیرنظام‌ها، ۲ زیرنظام سند تحول همچنان تدوین و تصویب نشده بود.

نکته دیگر آن بود که زمان در نظر گرفته شده برای اجرای نقشه راه که یک پروسه ۴ ساله برای انجام برنامه‌ها بود، با توجه به محورهای سند، غیرواقع‌بینانه بود و ایراد

مسیر هموار سازمان همکاری اسلامی بعد از «وعده صادق»

افزایش فشار بر رژیم صهیونیستی؛ راهبرد کلیدی تهران

جمهور تدارک دیده شد که رئیس‌جمهوری ایران در آن حضور یافت. عملیات موشکی ایران علیه رژیم صهیونیستی از طرف دیگر کفه ترازوی تحولات جنگ را به نفع مردم غزه سنگین کرده و از همه مهم‌تر، عرصه را برای سایر کشورهای اسلامی جهت اتخاذ گام‌های عملی برای برخورد با رژیم اشغالگر هموارتر از گذشته کرده است.

از ابتدای تجاوز اسرائیل به نوار غزه، ایران در چارچوب ظرفیت‌های دیپلماتیک، نظیر سازمان همکاری اسلامی، خواستار عبور از صدور بیانیه صرف در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی و برداشتن گامی موثر، عملیاتی و بازدارنده در تنبیه اسرائیل توسط کشورهای اسلامی عضو سازمان بود.

بر این اساس، راهبرد کلیدی تهران، یعنی «افزایش فشار بر رژیم صهیونیستی»، در تمامی دستاوردهای دستگاه دیپلماسی در تماس‌ها و مذاکرات منطقه‌ای دنبال شد. تأثیر این فشارها تا جایی است که اسرائیل این روزها تقابل جهانی بی‌سابقه‌ای را در تصمیم احتمالی حمله به رفح مقابل خود مشاهده می‌کند.

عملیات نظامی وعده صادق، صلاحیت عملی را برای برخورد با صهیونیست‌ها تولید کرده و زمینه مجازات اسرائیل توسط سایر دولت‌های اسلامی را فراهم آورد. حاضران در این نشست همچنین بر لزوم فعال کردن سازوکارهای حقوقی بین‌المللی جهت محاکمه مسئولان اسرائیلی به خاطر جنایات‌های آنها علیه مردم فلسطین و همچنین بر ضرورت توقف تروریسم شهرک‌نشینان صهیونیست علیه فلسطینی‌ها و اتخاذ مواضع جدی و قاطع در برابر این جنایات‌ها تأکید کردند.

دیروز نشست سران سازمان همکاری اسلامی در بانجول، پایتخت گامبیا، با حضور حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. امیرعبداللهیان در این نشست مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات جهان اسلام و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، به ویژه وضعیت جنگ غزه، را تبیین می‌کند.

نشست بانجول از جهاتی اهمیت مضاعف پیدا کرده است. این اجلاس اولین نشست پس از عملیات «وعده صادق» توسط ایران و هدف قرار دادن عمق سرزمین‌های اشغالی است؛ اقدامی که تمامی معادلات منطقه‌ای را دگرگون کرده است. پانزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در شرایطی در بانجول برگزار می‌شود که شرایط جنگ غزه برای رژیم صهیونیستی هر روز دشوارتر می‌شود. اگرچه شعار اصلی این اجلاس «ارتقای وحدت و همبستگی از طریق گفت‌وگو و پیرامون توسعه پایدار» عنوان شده، اما مسئله فلسطین در نشست فوق، احتمالاً دستور کار جاری OIC را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. موضوعی که سران ۵۷ کشور اسلامی در سطح رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر خارجه را در غربی‌ترین نقطه آفریقا و در کنار اقیانوس اطلس گردهم آورده است.

از زمان آغاز جنگ غزه، این سومین نشست سازمان همکاری اسلامی است که تشکیل جلسه می‌دهد؛ ۲ اجلاس در قالب نشست اضطراری و فوق‌العاده به ابتکار ایران و عربستان سعودی در جده برگزار شد که حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه ایران در آن شرکت کرد و یک جلسه هم‌آبان سال گذشته در ریاض و در سطح روسای

استاندار تهران خبر داد

تطبيق طرح تقسیم استان‌های غربی و شرقی تهران با شرایط امروز جمعیتی

به لحاظ گسترش جمعیت، باید ملاحظات را در نظر بگیریم. استاندار تهران ادامه داد: ملاحظات سرزمینی، جمعیتی و جغرافیایی هر دو منطقه و چگونگی تأمین زیرساخت‌ها بسیار مهم است. بی‌تردید تقسیم و تفکیک زیرساخت‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد و قطعاً باید مطالعات میزان خدماتی که مردم باید در هر دو استان بگیرند، کامل شود. باید مباحث اقلیمی و جمعیتی هم به لحاظ ترکیب دارای منطق باشد. فحاری تأکید کرد: ترکیب‌بندی جمعیتی در بخش غربی استان تقریباً با عدم‌تجانس همراه است و در بخش جنوب شرقی دارای تجانس است و به لحاظ گویش و سایر مولفه‌هایی که تأثیرگذار است همانند مولفه‌های اجتماعی، ممکن است در نقاطی ناهمگونی و در جاهایی همگونی داشته باشیم.

استاندار تهران از تطبیق طرح تقسیم استان‌های غربی و شرقی تهران با شرایط امروز جمعیتی خبر داد. علیرضا فحاری در تشریح موضوع تشکیل دو استان غربی و شرقی تهران گفت: دو منطقه در این طرح وجود دارد که در غرب شهریار، ملارد، بهارستان و پرند شهرهای این بخش و در حوزه جنوب شرقی نیز ورامین، پاکدشت، پیشوا و قرچک جزو محدوده‌هایی است که این ۴ شهرستان مشمول طرح جداسازی می‌شوند. وی افزود: مطالعات این طرح مدت زیادی است آغاز شده و باید با شرایط امروز جمعیتی طرح را منطبق کنیم. براساس سرشماری هوایی که از گذشته داریم، در غرب استان تهران نزدیک به ۳ میلیون نفر جمعیت داریم و در جنوب شرقی استان هم یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داریم؛ لذا،